

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# حقوق عمومی، دولت و جوانان

به اتمام:

مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام



## فهرست مطالب

سخن ناشر ..... ۹

مقدمه: موضوع شناسی حقوق عمومی جوانان در ایران ..... ۱۱

بخش اول: حقوق سیاسی، دولت و جوامع جوانان ..... ۳۳

فصل ۱. جوانان و شرایط بهره‌گیری از حق رأی ..... ۳۵

دکتر بیژن عباسی

فصل ۲. حق رأی و مشارکت انتخاباتی نوجوانان ..... ۴۹

دکتر توکل حبیب زاده

فصل ۳. حقوق مدنی و سیاسی جوانان: الگوها، رویکردها و بهترین تجارب ملی و

بین‌المللی ..... ۷۱

جعفر سطوتی

فصل ۴. عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر ضرورت؛ مشارکت سیاسی فعالانه جوانان

در ایران ..... ۹۷

دکتر خلیل‌اله سردارنیا

فصل ۵. جوانان و مشارکت سیاسی با تأکید بر قانون اساسی ..... ۱۳۳

محمد صادق لبنانی مطلق

فصل ۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مطالبات جوانان ..... ۱۵۱

دکتر محمدرضا باقرزاده

فصل ۷. دولت و جوانان، آزادی بیان، عقیده و قلم ..... ۱۹۵

محمد برزگر خسروی

فصل ۸. مطالعه حقوقی؛ حقوق شهروندی، نهادهای دانشجویی اقلیت‌های مذهبی ..... ۲۳۹

سید محمد مهدی غمامی

فصل ۹. نقش سازمان‌های مردم نهاد جوانان در سیاست جنایی مشارکتی ..... ۲۶۵

دکتر ولی رستمی

بخش دوم: دولت، حقوق اجتماعی و مسائل جوانان در ایران ..... ۲۸۹

فصل ۱۰. بررسی وضعیت رفاهی و تأمین اجتماعی جوانان ..... ۲۹۱

احمد رضائی فرخند/نوشین خانی قریه‌گبی

فصل ۱۱. حقوق فرزندخواندگی در ایران ..... ۳۱۵

سید محمدعلی پوربخش

فصل ۱۲. حمایت‌های قانونی از زوجین نابارور در نظام حقوقی ایران ..... ۳۳۵

حجت مبین

فهرست مطالب □ ۷

فصل ۱۳. کار کودکان و نوجوانان و راهکارهای حقوقی مقابله با آن ..... ۳۷۳

پرویز باقری

فصل ۱۴. کار کودک و کودکان خیابانی ..... ۳۹۱

ثمانه محسنی

فصل ۱۵. بررسی اجمالی بزهکاری اقتصادی و جوانان ..... ۴۱۹

مینا حسینی

فصل ۱۶. جوانان و حق مسکن؛ حق مسکن با تأکید بر وضعیت جوانان در ایران ..... ۴۳۳

آزاده السادات طاهری

فصل ۱۷. جامعه‌پذیری سیاسی و خدمت مقدس سربازی ..... ۴۴۵

ایمان حسینیقرلائی

بخش سوم: حقوق فرهنگی و جوانان ..... ۴۶۷

فصل ۱۸. مؤلفه‌های دینی و تربیتی فرهنگ سربازی در ایران ..... ۴۶۹

ابراهیم مشفق‌فر

فصل ۱۹. بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با نحوه گذران اوقات فراغت

جوانان (مطالعه موردی شهر شیراز سال ۱۳۸۵) ..... ۵۰۵

دکتر حبیب احمدی / خدیجه اسدی سروستانی

فصل ۲۰. نقد و بررسی عملکرد و جایگاه مشاورین جوان ..... ۵۲۳

محمد علی الفت‌پور

فصل ۲۱. جوانان و حق دسترسی آزاد به اطلاعات ..... ۵۴۵

محمد صالح مفتاح

فصل ۲۲. جرم‌انگاری فرهنگ عمومی ..... ۵۸۳

دکتر محمد فرجیها

فصل ۲۳. جرم‌شناسی فرهنگی: آسیب‌شناسی فرهنگی عوامل بزهکاری ..... ۵۹۳

دکتر مصطفی السان

فصل ۲۴. جوانان، دولت و حقوق خانوادگی؛ حقوق انسانی و حق متقابل فرزندان و والدین

در دولت اسلامی ..... ۶۱۵

مهملدی بیژنی

فصل ۲۵. گذری نظری بر بحران‌های اجتماعی جوانان در ایران امروز ..... ۶۴۷

مسعود جورابلو

فصل ۲۶. جوانان و حقوق نخبگی در ایران ..... ۶۷۱

حمید قنبری

چکیده فصول ..... ۶۹۷



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

### سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است.

طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد. **معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنهاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد  
معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه: موضوع شناسی حقوق عمومی جوانان در ایران

دولت قلب مباحث حقوق عمومی می‌باشد و حقوق عمومی در درجه نخست بر محور مسئولیت دولت شکل می‌گیرد. لذا در تحلیل اولیه، حقوق عمومی را می‌توان به عنوان مجموعه قواعد قضایی مربوط به وجود، سازماندهی، عمل‌کرد و روابط دولتی تعریف نموده و سپس به آن اشخاص حقوقی دیگری را مثل سازمان‌های بین‌المللی دولتی یا اجتماعات کشوری اضافه کرد. نکته مهم در این میان آن است که حقوق عمومی سرشت ویژه و هدف خاصی دارد و اساس آن تعقیب منافع عمومی است. همین ویژگی عمومی سبب شده تا امروزه با صراحت بتوان گفت که یکی از ملاک‌های رشد و توسعه جوامع و زمینه‌های انباشت سرمایه اجتماعی به رشد نظام عمومی حقوقی هر جامعه بستگی دارد. و طبعاً یکی از معیارهای ترقی و رونق این نظام حقوقی جامعه، به میزان توجه آن ساختار به موضوع حقوق اساسی و حقوق شهروندی است. از این رو آموزش مطالبه حقوق اساسی شهروندان نیز از جمله وظایف دولت‌ها می‌باشد. به دیگر سخن هم تمهید و زمینه‌سازی فهم این حقوق و هم بسترسازی برای احقاق این حقوق، هر دو بر عهده گردانندگان و برگزیدگان جامعه است که در صدر آن‌ها دولتمردان قرار دارند. دولت و حکمرانی خوب از میان شهروندان خوب بر می‌خیزد و شهروند مسئول و نیکو به پشتوانه دولت نیک و مسئول، قوام و دوام می‌یابد. بنابراین همان‌گونه که اقتدار و مشروعیت دولت او را در برابر شهروند مسئول می‌سازد، شهروند نیز به مدد حمایت از حقوق دولت می‌تواند انتظار تأسیس و تداوم جامعه‌ای مطلوب را در سر

داشته باشد. در نتیجه، نبود حقوق عمومی یا ضعف آن در یک جامعه نشان از ضعف هر دو رأس مدار قدرت و مدیریت اجتماعی یعنی حکمرانان و فرمانبرداران خواهد بود. که یا هر دو گروه بازیگر صحنه اجتماع در خوابند یا یکی از دیگری بیگاری می‌کشد و یا این‌که هر دو در تب و تاب منصب‌داری و شهریاری‌اند و نه حق‌مداری و شهروندی. در این صورت طبیعی خواهد بود تا اولویت‌ها وارونه گردد و مستی و سستی زمینه بساط وضع طبیعی را فراهم آورد. وضعیتی که در آن نه عناصر جامعه مدنی یافت می‌گردد و نه وضع حقوقی موجود می‌باشد.

### حوزه مفاهیم

یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه و به عبارت رایج «جهان سوم» به همین نام مشخص بودن و عدم شفافیت مرزها و مبنای حقوق عمومی آنان باز می‌گردد. این‌که حقوق عمومی در برابر حقوق خصوصی ملی یا بین‌المللی تلقی شود بحث ویژه و ارزشمندی است؛ چون در یک نگاه مختصر با این نوع تقسیم‌بندی، مرزهای حقوق حداقل در نظریه‌های جدید جدی‌تر شده است. تقسیم‌بندی کلاسیک بر پایه محدودیت بخشیدن به حقوق اداری (در مفهوم عام) و قضایی بنا شده بود. اما آنچه امروزه بحث از حقوق را مهم‌تر ساخته حیطه‌هایی از حقوق افراد است که نه می‌توان آن‌ها را در حقوق خصوصی جای داد و نه این‌که برای آنان در تقسیم‌بندی قدیم جایگاهی یافت. این‌که حقوق عمومی به حوزه‌هایی چون دولت، شوراهای محلی، ادارات دولتی، بیت‌المال و مراکز عامه می‌پردازد، تنها یکی از وظایف حقوق عمومی است. در این راستا حقوق عمومی تقسیمات مختلفی دارد از جمله: حقوق اساسی (مرتبط با سازمان‌های سیاسی و مراکز حکومتی)، حقوق عمومی بین‌المللی (ناظر بر روابط مجامع بین‌المللی)، حقوق عمومی داخلی (ناظر بر آزادی‌های فردی و تنوری حکومت و دولت)، حقوق مالیه، حقوق اداری، حقوق بازار عمومی و.... این فهرست حوزه‌های حقوق عمومی هنوز هم به‌خوبی تعریف نشده و به اتمام نرسیده است. اما بخش کلان وظایف حقوق عمومی امروزه به مواردی از حقوق شهروندان می‌پردازد که هر روز در حال وسعت یافتن است. حقوق بشر به مثابه تباری از حقوق شهروندی از

موارد پر تنش در مباحث فلسفه حقوق عمومی است. این قسمت از حقوق افراد را تنها نمی‌توان در قسمت‌بندی قدیم جای داد چرا که حوزه آن‌ها فراتر از عرصه خصوصی و گسترده‌تر از حیطه داخلی و ملی است. نظام بین‌المللی نیز نمی‌تواند برای آن مرز تعیین کند. این بخش از حقوق امروزه زیر مجموعه کلی حقوق عمومی محسوب می‌گردد. در حقیقت هر چند نمی‌توان مدعی شد که حقوق عمومی در یک جامعه با ابعاد اساسی، مالی و اداری خود می‌تواند معجزه توسعه مطلوب را یک روزه رقم زند، اما می‌توان مدعی شد که توسعه حقوق عمومی بی‌تردید چرخ‌دنده‌های غلطک توسعه و رشد جامعه را روغن خواهد زد. حتی به راحتی می‌توان مشاهده کرد که بسیاری از اصطکاک‌های غیر طبیعی دولت‌ها با شهروندان در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تداوم و توسعه این ناهنجاری‌های نامنظم به سایر بخش‌های جامعه به نافی و نامفهومی وضع حقوق عمومی در این جوامع باز می‌گردد.

### جوانان و حقوق عمومی

مسئله دیگری که ذهن دولت‌ها و حقوق‌دانان هر جامعه‌ای به ویژه جوامع در حال توسعه را به دلیل جمعیت بالای رو به رشد، به خود معطوف می‌دارد، وضع جوانان آن جامعه و فهم این قشر از افراد جامعه است. در اینجا جوان اعم از عالم و عامی، دانشگاهی و دبیرستانی، متأهل و مجرد، شاغل و بیکار، سالم و مریض، مسئول و محکوم، دختر و پسر... را در بر می‌گیرد. در کشورهای موسوم به جهان سوم یا در حال توسعه جوانان بنا به دلایل خاص از جمله آمار جمعیتی زیاد آنان نسبت به سایر قشرهای جامعه، خواسته یا ناخواسته مرکز عموم دغدغه‌های منفی (بیکاری و بزهکاری) یا مثبت (آموزش و پژوهش) دولتمردان شده‌اند. این پرسش که دولت‌ها تا چه میزان با آموزش و گسترش حقوق عمومی در جامعه می‌توانند به مطالبات مشروع جوانان خود پاسخ بگویند، طبعاً از مجرای یک سلسله نشست علمی بیرون نخواهد آمد. مطالعاتی به وسعت عقب‌ماندگی و غربت حقوق عمومی در این جوامع نیاز است تا لنگرگاهی برای کشتی حیران موج‌های پریشان حقوق شهروندی فراهم آورد.

### در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

به‌راستی سهم عمده از تعهدات متقابل دولت و شهروندان که بر اساس فصل اول، سوم و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عموماً تحت عنوان اصول کلی، «حقوق ملت» و موضوع «اقتصادی» ترسیم شده است، معطوف به چه کسانی است؟ محورهایی چون: حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی (اصل ۲۰) با موضوعاتی هم‌چون: خانواده (اصل ۴۳ و ۱۰)، مسکن (اصل ۲۲)، اشتغال (اصل ۲۲)، ازدواج (اصل ۱۰)، اصناف و تشکل‌ها (اصل ۲۶)، آموزش عمومی (اصول ۳ و ۳۰)، آموزش عالی (اصل ۳)، آموزش و پرورش (اصل ۳۰)، امر به معروف و نهی از منکر (اصل ۸)، فضائل اخلاقی (اصل ۳)، دفاع ملی (اصل ۳)، آزادی‌ها (اصول ۳ و ۲۴ و ۲۶)، مشارکت سیاسی (اصول ۶ و ۷)، وام (اصل ۴۳)، بیمه (اصل ۲۹)، تأمین اجتماعی (اصل ۲۹) و بالاخره جایگاه حقوق عمومی (اصل ۲۴) و ده‌ها موضوع دیگر، مخاطب آنان بیش از همه، افرادی در سنین ۱۵ تا ۳۵ سال هستند که از آنان عموماً تحت عنوان جوانان یاد می‌شود. شهروندانی از دانش‌آموزان دبیرستانی، دانشجویان، جوانان مجرد، متأهل، شاغل، جویای کار، بیکار، سالم، مریض، سرباز، دختر، پسر و غیره...

به نظر می‌رسد به تصویر کشیدن این همه موضوع و مسأله مورد توجه در خصوص جوانان در قالب رابطه حق و تکلیف متقابل شهروندان و حاکمان تنها از عهده یکی از شاخه‌های دانش برمی‌آید و آن «حقوق عمومی» می‌باشد. دانشی حتی ناشناخته‌تر از «حقوق جوانان» در ایران. به جرأت می‌توان گفت که هیچ قشری از جامعه به میزان جوانان آن جامعه در سعادت یا شقاوت آن جامعه مؤثر نیست. چراکه جوانان یک جامعه آینده تمام نمای آینده آن جامعه در سلامت یا هلاکت هستند. از سوی دیگر، هیچ دانشی در وضع کنونی جوامع از دانش حقوق عمومی در توسعه کشورهای در حال توسعه مؤثرتر نخواهد بود. بنابراین دولتی نیست که در صدر برنامه‌ریزی‌های خود از «سرمایه اجتماعی» جوانان در مسائلی چون اعتماد، اعتدال، اعتبار، اشتغال، آموزش، اخلاق، اصناف، ازدواج... غافل بماند و در عین حال لقب «حکمرانی خوبی» را نیز به خود بگیرد. البته در این میان با اهمیت جلوه دادن نقش جوانان به معنای فراموش کردن تکلیف آنان نیست.

### دولت اسلامی و حقوق عمومی

با عنایت به این مهم حاصل نخستین همایش ملی در ایران با عنوان «دولت، حقوق عمومی و جوانان» در نخستین گام و در غایت کلان خویش هدفی جز طرح مسأله و تولید ادبیاتی در این حوزه را در سر ندارد و اگر این حرکت توآن استه باشد حداقل در این زمینه ذهن‌های نقّاد و قلم‌های جاندار را به میدان کشیده، سمت و سو دهد، او را بسنده است. البته باید معترف بود که بسیاری از سؤالات کلان در این مجموعه رخصت رقم خوردن نیافتند. مثلاً در خصوص پیوند حقوق عمومی با اندیشه سیاسی و دولت در اسلام و بررسی جایگاه مدیریت جوان در امور از منظر مبانی نظری و خاستگاه عملی آن در طول تاریخ اسلامی سخنی به میان نیامده است. در اینجا نیز سؤالات اساسی مطرح است برای نمونه پرسش نخست آن است که اگر حقوق عمومی صرفاً به روابط حاکم و محکوم در یک حکومت و یا اندرون یک جامعه مدنی می‌پردازد تفکر اسلامی از منظر روش شناسی چه فصل ممیزه‌ای برای مرزبندی حیطه‌های آن ارائه می‌دهد؟

پرسش دوم آن است که اگر حقوق عمومی در اصلی‌ترین وظیفه خود به مطالعه روابط قانونی سازمان‌های دولتی، عمل‌کردها و نوع روابط حقوقی آنان و شهروندان می‌پردازد، اندیشه اسلامی چه ساز و کارهایی برای محوریت دادن به عدالت، یکی از مبانی حاکم بر روابط حاکم و رعیت، در عصر کنونی ارائه می‌دهد؟

پرسش سوم آن است که اگر حقوق عمومی در تعریف جدید خود وارد مبانی فلسفی حقوق شده و قصد دارد آرمان‌های اخلاقی گذشته را وارد حقوق موضوعه کند، جایگاهی که اندیشه دینی مسلمانان برای سازگاری تکلیف فردی با حق مدنی، اداری، تجاری و اساسی؛ حق با اجبار و آزادی با قانون‌مندی قائل است کجاست؟ و چه بخشی از متون دینی می‌تواند زیربنای این تحلیل‌های فلسفی در حقوق عمومی مدرن باشد؟

هر سه پرسش فوق در یک مثلث: دین، دولت و حقوق قابل تحلیل است. ناگزیر اندیشه اسلامی به عنوان سخنگوی قانونی عصر قدیم و جدید و سیاست دولت اسلامی به عنوان ترمیم و تشکیل دهنده رابطه حاکم و رعیت، باید به استقبال طرح‌های جدید حقوق عمومی در حوزه‌های انسانی - شهروندی با مرکزیت دادن به قشرهای ذی‌نفوذ مدنی چون جوانان بشتابد. اگرچه هنوز زمان آن هم نرسیده است تا ذهنیت جامعه

جهان سوم از رعایت برخی حقوق بنیادین بشری در روابط حاکم بر شهروند و حکومت سؤال کند، اما خلاء این گونه تحقیقات، آن زمان عمیق‌تر به نظر می‌رسد که حتی ارمغان‌های حقوق عمومی غربی نیز با ارزش‌های دولتی-دینی در اسلام محک زده نشود. اکنون باید پرسید اندیشه حقوقی دینی در شیعه به مثابه پیشروترین اندیشه اسلامی پس از استقرار دولت اسلامی به تبع انقلاب اسلامی در ایران چه پاسخی برای پرسش‌های اساسی حقوق عمومی در عصر پسامدرن دارد.

### حقوق عمومی و فقه سیاسی

در کنار مسائل ناظر به جوانان، دولت و دین باید افزود که فقه سیاسی ارتباط تنگاتنگی با حقوق عمومی در حقوق دینی اسلامی دارد. با این وجود باید تذکر داد که فقه سیاسی با تعریف خاصی که امروزه از آن شده است و در ذهن محققان جوان جامعه ایرانی هم راه یافته، محدود به رویکرد سیاسی نمی‌گردد. بلکه فقه سیاسی به ویژه در اندیشه شیعی معاصر بسی فراتر از صرف مسائل حکمرانی هم شامل حوزه اندیشه سیاسی و هم شامل مباحث حقوق عمومی در روابط قانونمند حاکم و رعیت می‌شود. حقوق عمومی هرچند شاخه‌ای نوین در جامعه معاصر ایرانی است که خود ارمغان تحدید حکومت فردی و رونق مردم‌سالاری مشروع می‌باشد، با حفظ تعریف و خصائص حقوقی و در قالب قواعد حقوقی می‌تواند ریشه در فقه سیاسی داشته باشد. در این صورت می‌توان حقوق عمومی در اسلام را ضابطه‌دار و قانونمند کردن مباحث سیاسی در قالب قواعد حقوقی تعریف کرد. از آنرو که قانونمندی و قاعده‌سازی در علوم سیاسی در حوزه دولت نیز هم‌چون شاخه سیاست‌گذاری عمومی در آن بحث بسیار جدیدتری از حقوق عمومی است. با این فرض که موضوع در سیاست اسلامی قدرت بوده و در حقوق عمومی دولت دارای این قدرت مشروع محل بحث می‌باشد، می‌توان گفت که حقوق عمومی در دولت اسلامی به مطالعه آن بخشی از قدرت می‌پردازد که مستقر شده و عملاً مشروع تلقی می‌گردد و طبعاً از مسائل «ثانویه» آن چگونگی روی کار آمدن قدرت سیاسی نیز خواهد بود. اینجاست که باید گفت حقوق عمومی پس از استقرار دولت اسلامی از کلیدی‌ترین ابزارهای تداوم مشروعیت و نماد



امکان قوام آینده آن ساختار می‌باشد. از این منظر نوآوری در این حوزه مطالعاتی در مرحله اول، بیش از هر چیز ناظر به قاعده‌سازی و قانونمندی ساختارهای موجود اجتماعی در حقوق عمومی ایران می‌باشد و در مرحله دوم ناظر به ارائه راهکارها و توسعه الگوهای اجرایی برای قوانین عمومی در راستای مصالح عامه مردم می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که حقوق عمومی می‌تواند در جمهوری اسلامی ایران در حوزه موضوع شناسی و محتوا بخشی در کمیت و کیفیت براساس مقتضیات زمان و مکان با تکیه بر جوهره دینی مندرج در کتب مرجع حقوقی اسلامی چون کتب فقهی، توسعه یابد.

### ضرورت جهاد علمی در حقوق عمومی

با توجه به موارد پیش گفته به لطف خداوند متعال اولین همایش ملی با عنوان «حقوق عمومی، دولت و جوانان» با همکاری، پشتکار و حمایت مادی و معنوی سازمان‌ها، نهادها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور در بهار سال ۱۳۷۸ در تهران برگزار گردید. ضرورت بیان و فلسفه بنای این گردهمایی علمی و همایش تخصصی با عنوان «حقوق عمومی، دولت و جوانان»، جدا از رونق بخشیدن به مباحثه‌ای علمی و کمک به زایش گفتمانی در موضوع فوق‌الذکر، در درجه اول در حقیقت به همین خواسته عینی و حمایت عملی همکاران همایش باز می‌گردد. تقاضای دستگاه‌های دولتی از یکسو و نیاز مجامع و محافل دانشگاهی از سوی دیگر، دغدغه سخن گفتن از حقوق بخش بزرگی از جامعه ایرانی را پیایی گوشزد می‌کرد که در مقام نظر در حمایت از آنان شکی وجود ندارد، اما در مقام عمل محروم‌ترین و در عین حال مؤثرترین قشر جامعه ما محسوب می‌گردند. روشی مناسب برای پاسخ‌گویی به نیازها و یا حداقل شناسایی و فهم خواسته‌های این بخش از جامعه ایران یعنی «جوانان»، ما را بر آن داشت تا حلقه مفقوده را در نقش «دولت» در تعامل با آنان جو یا شویم. دغدغه‌های عدم آگاهی جوانان اعم از دانش‌آموز و دانشجویان از حقوق و تکالیف حقیقی خویش در قبال نماینده مشروع جامعه مدنی یعنی دولت و عدم شفافیت مرزهای حقوقی ناظر به وضع خاص جوانان برای دولتمردان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، زمینه‌ای را فراهم نمود تا دلسوزان مسئول و در ضمن درگیر با وضع جوانان از مراکز مختلف پژوهشی و آموزشی چون

شهرداری تهران، مؤسسه حقوق عمومی دانشگاه تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، سازمان ملی جوانان و مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع) زمینه تدارک همایشی را فراهم آوردند که همگی را برگرد بررسی مسائل اساسی جوانان و دولت از منظر حقوق عمومی جمع می‌نمود.

برای این منظور پس از یکسال تلاش همکاران اجرایی و علمی همایش و داوری بیش از چهل مقاله در ارزیابی نهایی، در سه بخش حقوق شهروندی، اجتماعی و انتظامی مقالات برگزیده تقدیم علاقه‌مندان و حضار محترم گردید. در پایان نیز، میزگردی تخصصی با حضور اساتید محترم حقوق عمومی از دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی و امام صادق(ع) علاوه بر تأکید بر کاربردی کردن حقوق عمومی در ایران و صحنه‌گذاری بر فقر و غربت این شاخه از حقوق در ایران و کشورهای در حال توسعه، به آسیب شناسی وضعیت آموزش و پژوهش حقوق نوپای عمومی در ایران پرداختند. در مجموعه حاضر تلاش شده تا مقالاتی که رویکرد علمی و نوآوری در موضوع داشتند و آسیب شناسی وضعیت جوانان و حقوق عمومی در ایران را برجسته تر نشان داده اند در قالب سه بخش: ۱. حقوق سیاسی ۲. حقوق اجتماعی و ۳. حقوق فرهنگی معرفی گردند. بنابراین مجموعه حاضر این توان را نداشته است تا تمامی مقالات نویسندگان محترم را در خود جای دهد. از سوی دیگر نباید از این مجموعه مقالات انتظاری بسیار بالا داشت چراکه مشکلات فراوان از جمله سه بعدی بودن موضوع همایش بر محور ایران، حقوق عمومی و جوانان باعث گردید تا بسیاری از مقالات توان جمع کردن این سه حوزه را نداشته باشند و طبعاً به ارائه آن‌ها در خلاصه مقالات اکتفا شده است. بنابراین آن دسته از مقالاتی هم که در مجموعه حاضر گرد آمده‌اند در حقیقت ضمن برخورداری از چارچوب‌های مقرر در سه بعد فوق، تا رسیدن به شرایط کلان و مطلوب در حوزه پژوهش‌های حقوق عمومی در ایران فاصله قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. با این حال مجموعه حاضر آینه تمام‌نمای مطالعه‌ای تخصصی در حوزه حقوق عمومی و جوانان در ایران است. ضعف و قوت آن حکایت از همین منظر در جامعه دارد. به امید آن که جنبش علمی حاضر به تنومندی درخت حقوق عمومی در ایران منجر شود.

اکنون برای آشنایی بیشتر عزیزان خواننده به معرفی اجمالی مقالات می‌پردازیم: بخش اول کتاب با عنوان «حقوق سیاسی، دولت و جوامع جوانان» به بررسی جایگاه حقوقی جوانان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی می‌پردازد. برای این منظور مقاله نخست با عنوان «جوانان و شرایط بهره‌گیری از حق رأی» به تحلیل نقش مشارکت عموم شهروندان در مشروعیت بخشی به حکومت می‌پردازد. نگارنده معتقد است در عصر جدید با توجه به آزادی و برابری همه افراد بشر، حکومتی مشروع خواهد بود که برخاسته از مردم و برگزیده شده توسط آن‌ها باشد. یکی از نخستین حقوق مدنی و سیاسی مردم نیز که سده هجدهم در اسناد حقوقی و سیاسی جهان مورد تأیید قرار گرفت حق رأی ملت بود. ولی همگانی شدن این حق از اوایل سده بیستم میلادی جامه عمل پوشید. در نتیجه، امروزه حق رأی بی هیچ گونه تبعیضی به همه شهروندان تعلق دارد و مشارکت شهروندان در قدرت به وسیله حق رأی همگانی تضمین شده است. در اینجا طبعاً همگانی بودن حق رأی به معنی نبود هیچ گونه شرط و محدودیت در بهره‌گیری از این حق نیست. اغلب بنا به دلایلی استفاده از حق رأی توسط رأی‌دهنده همانند دیگر حقوق منوط به وجود شرایطی از قبیل شهروندی، عقل، سن و اهلیت اخلاقی می‌باشد. بررسی این مسأله در ایران از دغدغه‌های اساسی مقاله بوده است.

«حقوق مدنی و سیاسی جوانان: الگوها، رویکردها و بهترین تجارب ملی و بین‌المللی» عنوان مقاله دوم این بخش است که در آن هدف محوریت دادن به این مسأله است که آخرین مطالعات و بررسی‌های انجام شده در زمینه جوانان، عموماً این نکته را تأیید می‌کند که مسأله جوانان به لحاظ مطالعاتی و پژوهشی از ماهیتی چند رشته‌ای و به لحاظ مدیریتی و برنامه‌ریزی در نظام اداری و اجرایی حکومت‌ها از ماهیتی فرابخشی برخوردار است. به همین نحو، مسأله‌ای چون حقوق جوانان از گستردگی و تنوع و ارتباط معنایی و عملیاتی معناداری با سایر حوزه‌های مرتبط برخوردار است. در این نوشتار ضمن پذیرش این مفروضات تلاش شده است تا ارتباط متقابل مسأله حقوق مدنی و سیاسی جوانان با موضوع گسترده‌ای چون توسعه مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این مقاله بررسی که در دو سطح تحلیل ملی و بین‌المللی

تقسیم‌بندی شده است، دو الگوی عمده؛ یعنی فشار از پایین و اراده حاکمیتی در توجهات ملی کشورها به این مسأله شناسایی شده است. هم‌چنین، در سطح بین‌المللی سه رویکرد اساسی شامل رویکرد حفاظتی رفاهی، رویکرد حقوق‌بشری و رویکرد توسعه‌گرا به مسأله حقوق جوانان شناسایی و مورد بحث قرار گرفته است.

با توجه به این نکته که مشارکت سیاسی، فراگرد ایفای نقش مشارکتی افراد و بازیگران اجتماعی به منظور تعیین سرنوشت خود، بیان مطالبات و حمایت‌ها و تأثیر بر تصمیم‌گیری‌های حکومتی است در مقاله سوم این بخش بیان می‌شود که بیش از دو دهه است که در سطح جهان به ویژه در دموکراسی‌های تثبیت‌شده، جوانان یکی از بازیگران یا نیروهای اجتماعی مهم تلقی و پذیرفته شده‌اند و حضور چشمگیری در عرصه مشارکت، به ویژه در جنبش‌های اجتماعی داشته‌اند. لذا مقاله «عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر ضرورت مشارکت سیاسی فعالان جوانان در ایران» در صدد است در بخش نخست، تأثیر تغییر و تحولات ساختاری اجتماعی در ایران در دهه اخیر، بحران هویت و توسعه نابرابر اقتصادی اجتماعی بین پیرامون (استان‌های مرزی) و مرکز را بر پیدایش چالش‌های جدی برای حکومت و ضرورت مشارکت سیاسی فعالان جوانان مورد بررسی قرار دهد. سپس در بخش دوم، تشکل‌های موجود مشارکتی جوانان مورد نقد قرار می‌گیرند و در چارچوب نظریه نهادمندی هانتینگتون و نظریه سیستمی دیوید ایستون، مدل پیشنهادی برای تحقق مشارکت سیاسی فعالان جوانان ارائه می‌گردد. روش تحقیق در این نوشتار از نوع تحلیلی و تبیین علمی ساختاری و روش تحلیل ثانویه داده‌ها بر اساس مطالعات تجربی انجام‌شده در ایران و دو کشور اروپایی خواهد بود.

در مقاله دیگر این بخش با عنوان جوانان و مشارکت سیاسی با تأکید بر قانون اساسی نگارنده معتقد است که در نظام‌های دموکراتیک و مردم‌سالار مشارکت آحاد مردم در تعیین سرنوشت خود از امور مهم و حیاتی می‌باشد تا جایی که بعضی از اندیشمندان مشروعیت یک نظام را دایر مدار همین موضوع می‌دانند. گرچه در نظام مردم‌سالاری دینی نظریه فوق تعدیل گشته است، مشارکت و همبستگی مردم در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند معرف مقبولیت آن نظام در منظر جامعه بین‌الملل

باشد. لذا با توجه به این مطلب که جامعه ایرانی نیز نمی‌تواند از اصل فوق مستثنا باشد و این‌که جمعیت قابل توجهی از جامعه ایران را جمعیت جوان تشکیل داده است پس بایسته است که سهم ایشان در مشارکت در امور سیاسی- اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. از این منظر در این مقاله ابتدا نظریه‌های سیاسی اندیشمندان در مورد سهم مشارکت سیاسی در دایره قدرت و بقای حکومت به نحو اجمال مورد مطالعه قرار گیرد و در وهله دوم با رهیافت از اصول قانون اساسی، عواملی که موجب افزایش یا کاهش مشارکت مردمی بالاخص جوانان در امور سیاسی- اجتماعی می‌گردد، مورد کنکاش قرار گرفته تا از این طریق بتوان سهم مشارکت جوانان را در انتخابات و همه امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افزایش داد.

مقاله پنجم با عنوان «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مطالبات جوانان» نیز با همان رویکرد مقاله سابق بر این باور است که مطالبات جوانان یکی از دغدغه‌های هر جامعه جوان هم‌چون ایران است، اما شناخت واقعی این مطالبات از آن رو اهمیت دارد که در خصوص جهت‌دهی صحیح مسئولان و دست اندرکاران امر سیاست به سمت این مطالبات تأثیر گذار است. در این مقاله به متقن‌ترین سند اجتماعی یعنی قانون اساسی مراجعه شده تا این مطالبات به درستی شناسایی شده و در راستای پاسخ‌گویی به آن‌ها گام برداشته شود، مهم‌ترین این مطالبات زیر مجموعه مطالباتی است که تحت حقوق شهروندی قرار دارد اما جوانان با برخی از آن‌ها بیشتر درگیر و مأنوس هستند هم‌چون حق آزادی، حق تعیین سرنوشت، اشتغال، حقوق فرهنگی و... که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است تا جوانان با نصب العین قرار دادن آن‌ها و حدود و شرائط قانون آن‌ها حضور اجتماعی و سیاسی معنادارتری را تجسم بخشند.

در مقاله «دولت و جوانان، آزادی بیان، عقیده و قلم» نگارنده رویکردی حقوق بشری دارد. با عنایت به این‌که تصویب مقررات خلاف میثاق‌های حقوق بشری در عرصه بین‌المللی تبدیل به وسیله‌ای برای اعمال فشارهای سیاسی به دولت گردیده است و نیز ایجاد ارتباط متقابل دولت ایران با بسیاری از نهادهای بین‌المللی، موکول به رعایت حقوق بشر در نظام داخلی ایران می‌گردد، شایسته است به بررسی نقش دولت در تحدید و توسیع انواع آزادی‌ها پرداخته شود. که دولت تنها موظف به رعایت

حدأقل‌های حقوق‌بشری است که از حقوق طبیعی نشأت می‌گیرد. نظر به وجود حکم ارتداد و این‌که جوانان بیش از دیگران به دلیل حس استقلال طلبی، مطالبه آزادی می‌کنند، نگارنده می‌پرسد: سؤال این است که آیا باید جوانان را به دلیل احساسی بودن و نیز در نظر نگرفتن مصالح کلی، محدودتر کرد و یا این‌که به آنان آزادی بیشتری داد تا با تمرین آزادی بتوانند از حقوق خود به درستی استفاده کنند؟ حقوق و تکالیف جوانان در مورد آزادی چیست؟

در مقاله «حقوق شهروندی نهادهای دانشجویی اقلیت‌های مذهبی» سؤال این است که آیا اقلیت‌های مذهبی حق فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را در دارالاسلام دارند؟ سؤالی که به‌طور خاص در مورد گروه‌های دانشجویی اقلیت‌های مذهبی طرح شده و نگارنده بر آن است تا با استناد به قواعد و مبانی اسلام و همچنین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نشان دهد شهروند بودن در جامعه اسلامی در تعلق داشتن به اعتقادات معین معنی نمی‌شود بلکه کافی است تا نسبت فرد با ملت یا امت - اسلامی تحقق یابد، به محض اثبات این علقه، وی دارای تمامی جهات یک شهروند جامعه اسلامی خواهد شد. البته قشر دانشجو نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. به اعتقاد نگارنده هرچند که در امر قانون‌گذاری یا تصویب آیین‌نامه‌های مربوط به فعالیت‌های این گروه دقت لازم به کار گرفته نشده است و احتمال ایجاد مشکلاتی در مسیر تشکیل و فعالیت آن‌ها وجود دارد ولی همگی با تمسک به قواعد و مبانی اسلام و اصول قانون اساسی رفع شدنی است و اثبات حقوق سیاسی - اجتماعی آن‌ها در جمهوری اسلامی ایران و در قالب تشکل‌های دانشجویی به‌طور کامل تضمین شده است.

مقاله پایانی «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در سیاست جنایی مشارکتی» بوده و در این راستا سعی دارد نقش حقوق عمومی و سیاست‌گذاری‌های عمومی را بررسی کند. لذا نگارنده می‌نویسد: سیاست جنایی مشارکتی مبتنی بر مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعال ارکان مختلف جامعه مدنی به ویژه مردم و نهادهای مردمی از قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) در مراحل مختلف سیاست جنایی مخصوصاً در مراحل پیشگیری و واکنش به پدیده مجرمانه است و در این راستا بر مشارکت جوانان و نهادهای مرتبط به آن‌ها تأکید می‌کند به نحوی که اولین حوزه‌های اعمال این نوع سیاست جنایی را همین

عرصه تشکیل می‌دهد. سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان در مرحله پاسخ دهی پیشگیرانه به پدیده مجرمانه از طریق ساز و کارهای حمایت، آموزش و مقابله و نظارت بر بزهکاری می‌توانند ایفای نقش نمایند. در مرحله پاسخ‌دهی واکنشی به پدیده یاد شده نیز ساز و کارهای مختلف و متنوعی برای نقش‌پذیری این نهادهای مردمی جوانان در عرصه‌های مختلف مرحله مذکور وجود دارد. البته در کشور ما نهادهای مذکور در ابتدای این راه قرار دارند و در صورت حمایت و برنامه‌ریزی می‌توانند در ایفای این نقش مهم، مؤثر و موفق باشند.

در بخش دوم، کتاب به بحث «دولت، حقوق اجتماعی و مسائل جوانان در ایران» می‌پردازد. در مقاله نخست، نگارندگان پژوهش «بررسی وضعیت رفاهی و تأمین اجتماعی جوانان» مجموعه منسجمی از عرصه‌های مختلف رفاهی و تأمین اجتماعی حوزه جوانان را مورد بررسی قرار می‌دهند، به گونه‌ای که در ابتدا، به ارائه تعاریفی از مفاهیم رفاه اجتماعی، چشم اندازه‌های رفاه اجتماعی، تأمین اجتماعی و مفاهیم همسو پرداخته و در قسمت بعدی به‌طور مختصر با تاریخچه تأمین اجتماعی در ایران و جهان آشنا شده و سعی گردیده سیاست‌ها و راهبردهای تأمین اجتماعی در ایران بررسی شود. در ادامه این مقاله با توصیف وضع موجود تأمین اجتماعی جوانان و تبیین آن، چالش‌ها و تنگناهای اساسی، خط‌مشی‌های اجرائی، برنامه‌ها و اقدامات اجرائی، چشم‌انداز آینده اشاره می‌شود. نتایج این مقاله حاکی از آن است که به رغم اهمیت زیاد رفاه و تأمین اجتماعی نسل جوان در کشور ما، مسئولین در سال‌های گذشته کمتر به این مهم پرداخته و تنها پس از تصویب قانون چهارم توسعه است که تأکید بر ارتقاء و گسترش حوزه رفاهی و تأمین اجتماعی نسل جوان مورد تأکید قرار گرفته هر چند در اجرای این برنامه‌ها هم چالش‌ها و موانع زیادی وجود دارد.

جوانان و حقوق عمومی نمی‌تواند از مسأله چالش برانگیز فرزندان برکنار بماند. برای این منظور در مقاله دوم بخش دوم می‌بینیم که نگارنده با عنوان «حقوق فرزندخواندگی در ایران» معتقد است فرزندخواندگی در جوامع گوناگون از سابقه طولانی برخوردار است. فرزندخواندگی قبل از اسلام در بین اعراب و ایران باستان رواج داشته است. فرزند خوانده در حکم فرزند واقعی و از پذیرنده فرزند ارث می‌برد

و زوجه فرزندخوانده در حکم عروس و نکاح با وی ممنوع بود. پس از ظهور اسلام با توجه به نزول آیاتی از سوره احزاب آمده که فرزندخوانده، فرزند حقیقی شما نیست و فرزند خواندگی نسبی ایجاد نمی‌کند. با ورود اسلام به ایران قانون فرزندخواندگی به شیوه سابق منسوخ و قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۵۳/۱۲/۲۹ جایگزین آن شد که هیچ رابطه حقوقی ایجاد نمی‌کند. در این مقاله پس از ذکر تاریخچه، در فصل دوم به تجزیه و تحلیل مواد قانون در سه بند (چگونگی پذیرش کودک بی سرپرست، آثار سرپرستی، قطع رابطه سرپرستی) پرداخته شده است.

بررسی وضعیت «حمایت‌های قانونی از زوجین نابارور در حقوق ایران» موضوعی شده که در ذیل آن از زوجینی نابارور سخن گفته می‌شود که معمولاً زوجینی جوان هستند و برای جبران این نقیصه نیازمند قوانین حمایتی خاص می‌باشند. روش‌های مختلف تلقیح مصنوعی، استفاده از رحم جایگزین، اهدای جنین و پذیرش سرپرستی اطفال بی سرپرست از جمله راهکارهایی است که در حال حاضر، جهت کمک به زوجین نابارور کم و بیش مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی ایران جز در دو مورد اخیر، قانون مدوتی وجود ندارد و کسانی که قصد استفاده از این روش‌ها را دارند، با سردرگمی رو به رو هستند. در تدوین قوانین جدید از یک سو بایستی خلأهای قانونی موجود، به ویژه در زمینه تلقیح مصنوعی و رحم جایگزین برطرف گردد و ابهام از قوانین موجود زوده شود و از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که در جهت حمایت از زوجین نابارور مهم‌ترین نکته، رابطه طفل با خانواده وی است. اگرچه مطلوب این است که طفل اعطا شده به زوجین نابارور از نظر نسب نیز ملحق به آنان باشد، ایجاد نسب به شکل مصنوعی نه امکان‌پذیر است و نه مطلوب. نتیجه این که به اعتقاد نویسنده حمایت از زوجین نابارور در نظام حقوقی ایران نیازمند وضع قوانینی شفاف است که ضمن تسهیل روند اداری و قضایی، روابط زوجین و طفل اعطایی به آنان را به خوبی تنظیم نماید.

بر خلاف دو مقاله گذشته دو مقاله آتی این بخش تأکید روی کار کودکان و جوانان دارند. در مقاله چهارم این بخش مسأله کار کودکان و نوجوانان را مسأله‌ای پیچیده و چند جانبه می‌داند و همان‌طور که در ایجاد آن علل و عوامل متعددی دخالت



دارند در رفع آن نیز باید از مکانیزم‌های مختلفی استفاده کرد. از طرفی برای آن که بتوان با امری به مقابله برخاست ابتدا بایستی به علل موجود آن پرداخت به عبارت دیگر بدون شناخت عوامل به وجود آورنده یک امر نمی‌توان به درمان آن پرداخت. نظریه‌های مختلفی درباره علل استفاده از نیروی کار کودکان و نوجوانان ارائه گردیده است. هرچند این نظریه‌ها می‌تواند بخش عمده علل کار کودکان و نوجوانان را در بر گیرد اما خصیصه «مخفی‌کاری» و اشتغال به کار در مواردی که از دید عمومی و حتی بازرسان نیز مخفی می‌ماند، از علل ناشناخته و نامعین است که در کنار بسیاری از علت‌های دیگر باعث می‌گردند تا این قشر تأثیرگذار در سرنوشت جوامع با چالش‌های جدی در زندگی روبه‌رو گردند. در این مقاله سعی می‌شود تا اقدامات حقوقی قانونی و راه‌های مقابله با پدیده شوم «نوجوانان و جوانان کار و خیابانی» تا حد امکان ارائه گردیده و ضرورت ایجاد مقررات ویژه حمایتی از آنان تبیین شود.

در مقاله دیگر با رویکردی جدید نگارنده از کار کودکان و معضل کودکان خیابانی، که امروزه به صورت یک مشکل جهانی درآمده است سخن می‌گوید. این موضوع مهم که حتی سلامت و حیات جامعه را تهدید می‌کند نیازمند رسیدگی و تعیین راهکارها و قوانینی کارآمد است که نه فقط کودکان کار را که تمام جامعه را نجات بخشد. این نوشتار سعی دارد تا آنجا که ممکن است این معضل را شناسایی و اقدامات مهم صورت گرفته در این زمینه را بیان کند. پس از ارائه تعریف از مهم‌ترین واژگان این مقاله، نگاهی به وضعیت کودکان جهان و ایران و آمارهای موجود در این زمینه وجود دارد و سپس آنچه تاکنون توسط دو سازمان بزرگ بین‌المللی (UN-ILO) صورت گرفته و در نهایت قوانین حمایتی ایران در این رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

«بررسی اجمالی بزهکاری اقتصادی و جوانان» در مقاله دیگر این بخش بررسی می‌شود. بزهکاری اقتصادی یکی از پدیده‌های نوظهور عصر حاضر است. پدیده‌ای که جزء لوازم تفکیک ناپذیر توسعه‌یافتگی است. این نوع از بزهکاری ویژگی‌های خاصی دارد که باعث می‌شود با بزهکاری سنتی تفاوت زیادی داشته باشد. بزهکاران اقتصادی عمدتاً از قشر تحصیل‌کرده جامعه بوده و در روند اجتماعی شدن آن‌ها خللی ایجاد نشده است. اما به دلایلی این بزهکاران، بالاخص در خصوص جرایم رایانه‌ای، قشر

قابل توجهی از آنان را جوانان تشکیل می‌دهند، قبح عملشان از دید جامعه پنهان است. حال آن‌که آشنایی با این نوع بزهکاری و ارائه راه حل‌هایی برای پیش‌گیری و برخورد با آن می‌تواند به عوض شدن دید جامعه و جلوگیری از به وجود آمدن آثار ناشی از عمل مجرمانه در آینده بیانجامد. این پژوهش، ضمن بررسی بزهکاری اقتصادی و خلل‌های تقنینی و قضایی آن در نظام حقوقی ایران، به توصیف بزهکاری اقتصادی جوانان پرداخته و به روش‌های پیشگیرانه و غیر کیفری برای اصلاح و برخورد با این بزهکاران می‌پردازد.

در ذیل مباحث کار و اقتصاد، مسأله مسکن طبعاً موضوع دیگر در حقوق جوانان است. در مقاله‌ای با عنوان «حق مسکن و جوانان» می‌خوانیم که حق مسکن، یکی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در زمره مهم‌ترین آن‌ها است. این حق زمینه‌ساز بهره‌مندی انسان از سایر حقوق دانسته شده و به دلیل مشکلات مختلفی که درباره آن، حتی در کشورهای توسعه یافته، به چشم می‌خورد، از اهمیت روزافزونی برخوردار است. گرچه در نگاه اول، منظور از حق مسکن، داشتن سرپناه و محلی برای سکونت به نظر می‌رسد، باید دانست که صرف بهره‌مندی از این امر، به معنای تحقق حق مسکن نیست؛ به گونه‌ای که در متون مربوطه، موارد متعددی، تحت عنوان ویژگی‌های مسکن مطلوب و مناسب شمرده می‌شود که برای تحقق کامل حق مسکن ضروری است. به عنوان مثال می‌توان به دسترسی مناسب، امنیت و آرامش، تناسب فرهنگی و امکانات فیزیکی از قبیل نور و حرارت و... اشاره کرد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد مسأله مسکن بیش از هر قشر دیگر در اجتماع، با نسل جوان مرتبط باشد. زیرا در سنین جوانی است که فرد، در نتیجه ازدواج و یا ادامه تحصیل و اشتغال به حدی از استقلال رسیده و از محل سکونت خانواده نسبی خود جدا می‌گردد. یافتن مسکنی جدید و یا سکونت در خوابگاه‌های دانشجویی، سبب می‌شود رابطه میان جوانان و حق مسکن از اهمیتی ویژه برخوردار گردد. در این راستا، این مقاله در پی آن است که به تبیین مفهوم حق مسکن و اجزا و ضوابط آن، پرداخته و رابطه تنگاتنگ آن را با واقعیت زندگی جوانان، به ویژه در جامعه کنونی ایرانی تشریح نماید. نتیجه این مقاله می‌تواند در تعیین

سیاست‌های بخش مسکن و آگاه‌سازی افراد جامعه از حق خود در رابطه با مسکن نمایان گردد.

«سربازی جوانان» موضوع مقاله پایانی این بخش است. با تأکید بر مسأله جامعه‌پذیری سیاسی در این مقاله آمده جامعه‌پذیری سیاسی یکی از مفاهیم اصلی در جامعه‌شناسی سیاسی است که طی آن هویت ملی و فرهنگ سیاسی یک ملت از نسل پیشین به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد. البته این مفهوم، قالب سیاسی مفهوم جامعه‌پذیری محسوب می‌شود که ماهیتی جامعه‌شناختی دارد و طی آن، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، در فرآیند تعلیم و تربیت مستمر، به کودکان، نوجوانان و جوانان منتقل می‌شوند. از این روی این دو مفهوم را باید در پیوند با یکدیگر مورد ارزیابی قرار داد. چرا که در پاره‌ای از موارد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تأثیری مستقیم بر فرهنگ سیاسی جامعه دارند و همین مسأله می‌تواند در رفتارهای سیاسی جامعه نیز اثرگذار باشد. با چنین نگاهی دوران خدمت سربازی و آموزش‌های ارائه شده به سربازان در این دوران می‌تواند نقش به‌سزایی در روند جامعه‌پذیری سیاسی جوانان داشته باشد. از این روی در این پژوهش تلاش شده تا با مشخص کردن شاخص‌های جامعه‌پذیری، تلاش‌های صورت گرفته در این راستا در طول دوران خدمت سربازی در ایران، مورد ارزیابی قرار گیرد.

بخش سوم و پایانی این مجموعه به بحث حقوق فرهنگی جوانان می‌پردازد. در این قسمت هم‌چنین مباحثی در ارتباط با وضع اجتماعی آنان نیز مطرح می‌گردد. به عنوان مثال در ادامه مسأله جوانان و نظام وظیفه سربازی مقاله نخست «مؤلفه‌های دینی و تربیتی فرهنگ سربازی در ایران» را بررسی می‌کند. در این رویکرد، فرهنگ سربازی در ایران دارای شاخص‌ها و مؤلفه‌های متنوعی است که مهم‌ترین آن‌ها مؤلفه‌های دینی و تربیتی است که اولی به فرهنگ «سربازی عام» و دومی به فرهنگ «سربازی خاص» مربوط است. در مقوله اولی فرهنگ جنگ و جهاد برای حفظ دین و انقلاب و کشور مد نظر است که شامل تمام افرادی می‌شود که توان دفاعی دارند و مقوله دوم به کسانی اطلاق می‌شود که دوران خدمت سربازی را طی می‌کنند. بنابراین نگارنده در این مقاله در دو بخش مجزا اما پیوسته مؤلفه‌های دینی و تربیتی را بررسی می‌کند و شاخص‌هایی

نظیر دفاع، حمایت از ستمدیدگان، بیم از ذلت، حفظ اسلام، گسترش اسلام، دوستی خدا و معامله با او، امر به معروف و نهی از منکر، ارائه الگوها و بیان خطرات به عنوان مؤلفه‌های دینی و شاخص‌هایی چون شرافت سربازی، عزت نفس، احترام، اطاعت‌پذیری و هویت به عنوان مؤلفه‌های تربیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

«بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با نحوه گذران اوقات فراغت جوانان به عنوان مطالعه موردی شهر شیراز سال ۱۳۸۵» عنوان مقاله دوم بخش سوم می‌باشد. با توجه به اهمیتی که اوقات فراغت در زندگی جوانان دارد، هدف از این پژوهش بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با نحوه گذران اوقات فراغت جوانان است. چارچوب نظری پژوهش با استفاده از نظریه «بوردیو» طراحی گردیده است. روش تحقیق این پژوهش کمی و تکنیک آن پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله شهر شیراز می‌باشد. آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که نحوه گذران اوقات فراغت با سن، جنس، سطح تحصیلات فرد و والدین او، قومیت و میزان درآمد خانوار رابطه معنی دار دارد. همچنین، مهم‌ترین مشکلات جوانان برای گذران اوقات فراغت به ترتیب عبارتند از: کمبود مراکز فرهنگی و تفریحی، نداشتن احساس امنیت در مراکز فرهنگی و تفریحی، عدم ارائه برنامه‌های مناسب جوانان از سوی مسئولین، نداشتن وسایل تفریحی و کمبود امکانات، مسائل مالی و گرانی، نداشتن علاقه و انگیزه و نهایتاً مسائل و محدودیت‌های خانوادگی است.

در مقاله «نقد و بررسی عمل‌کرد و جایگاه مشاورین جوان» ابتدا جایگاه و تاریخچه مرکز مشاورین جوان در شهرداری تهران و بعد از آن در نهاد ریاست جمهوری بیان می‌شود. سپس به بررسی اهمیت ورود نسل جوان و دانشگاهی به بدنه اداری و حاکمیتی پرداخته در ادامه اهداف تشکیل چنین ساختاری واکاوی می‌شود. میزان نیل به اهداف تعیین شده و معایب و مزایای آن از دیگر مسائلی است که مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در پایان الگویی جامع و هدفمند برای ورود نسل جوان به بدنه اداری کشور ارائه می‌شود و نقشه جامع جایگاه مدیریت جوان را که از مسائل پراهمیت کنونی محسوب می‌شود را تدوین و ترسیم می‌کند.

«جوانان و حق دسترسی آزاد به اطلاعات» عنوان مقاله دیگر این بخش است. در این نوشتار نگارنده با تأکید بر جایگاه گردش اطلاعات در حکومت‌های دموکراتیک می‌نویسد: حق دسترسی به اطلاعات، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. هر شهروند حق دارد با استفاده از مطبوعات و تکنیک‌های جدید نشر عقاید و افکار به درست‌ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی و تحولات جهان دسترسی داشته باشد. این حق از سال‌ها پیش مورد توجه تئوریسین‌های حقوقی و سیاسی بوده است و از آن رو که از سویی با جایگاه و حدود دولت و از سوی دیگر به مردم مربوط می‌شده است، در حقوق عمومی مورد بحث و توجه بوده است.

در مقاله پنجم این بخش با توجه به این اصل که بزهکاری و جرم عموماً رخنه در قشر جوان یا ریشه در عصر جوانی افراد جامعه دارد، با عنوان «جرم‌شناسی فرهنگی: آسیب‌شناسی فرهنگی عوامل بزهکاری» می‌باشد نگارنده معتقد است جرم، موضوعی اجتماعی است و اقتضای زندگی جمعی انسانها است. مطالعات دقیق حاکی از آن است که ارتباط مستقیمی بین جرم، مجرم و در نتیجه شیوه‌های ارتکاب و پیشگیری، با «فرهنگ» وجود دارد. بنابراین، جرم‌شناسی فرهنگی با مفاهیم مختلفی ارتباط می‌یابد که هرکدام از آنها با وقوع یا پیشگیری از جرایم ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کنند. کیفر و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز گاه بر همین اساس تعیین شده یا باید با توجه به همین مبانی تعیین شوند. شناسایی تأثیر و تأثر فرهنگ جامعه و جرایم و تحقیق در فرهنگ گروه‌های مجرم، یکی از بهترین معیارها برای برنامه‌ریزی‌های آینده درباره جرم و مجرمین است. بی‌توجهی به این تعامل نیز امکان دارد منجر به شکل‌گیری گروه‌های مجرم، ساماندهی و عضوگیری آنها باشد. با لحاظ نکات فوق، در این مقاله به بررسی مفهوم و ابعاد مختلف جرم‌شناسی فرهنگی پرداخته شده است. بررسی موضوع همراه با تطبیق آن با واقعیت‌های اجتماعی و ارائه پیشنهادات لازم در زمینه مطالعات جرم‌شناسی فرهنگی خواهد بود.

«جوانان، دولت و حقوق خانوادگی: حقوق انسانی و حق متقابل فرزندان و والدین در دولت اسلامی» عنوان مقاله دیگر این بخش است که در آن خانواده و حقوق متقابل والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر به عنوان اساس اجتماع تلقی شده است. لذا نگارنده معتقد است بسیاری از فرزندان امروزه در محیط نابسامان خانواده رشد یافته و از تربیت درست و آرامش و سکونی که لازمه رشد است برخوردار نمی‌باشند. این امر در ازمدت زمینه‌ساز نابسامانی‌های رفتاری و حتی انحراف و لغزش بسیار است. اسلام در این زمینه رهنمودهایی بر اساس دریافت از وحی دارد که براساس فرضیه این مقاله، رعایت و اجرای آن می‌تواند نابسامانی‌ها را از بین ببرد.

«گذری نظری بر بحران‌های اجتماعی جوانان در ایران امروز» مقاله‌ای در حوزه مطالعات فرهنگی اجتماعی بیشتر بر بحران‌های جوانان در جامعه تمرکز کرده است. نگارنده در این مقاله، با ارائه تعریفی از گروه جوان جامعه و هم‌چنین پدیده جوانی و رفتارشناسی این گروه اجتماعی به بررسی پنج بحران عمده ایشان در ایران امروز به ترتیب تحلیلی: بحران اعتماد، بحران مشروعیت، بحران مداخله، بحران تصمیم‌گیری و چالش‌های ذیل هریک پرداخته و سعی نموده تا در نهایت به راهبرد سیستماتیک برای کاهش و برون‌رفت از این بحران‌ها دست یابد.

آخرین مقاله کتاب به حقوق نخبگی می‌پردازد. هر چند به باور نویسنده رابطه تساوی میان حقوق نخبگان و حقوق جوانان وجود ندارد با وجود این می‌توان حقوق نخبگان را شاخه‌ای از حقوق جوانان قلمداد نمود. چراکه در اکثر موارد این جوانان نخبه هستند که به حمایت‌های دولتی احتیاج دارند و حقوق نخبگی که با توجه به طبع و ماهیت خود یک حقوق حمایتی است در مورد جوانان کارایی دارد. نخبگان مسن‌تر در اغلب موارد از آن مقدار از توانایی و استطاعت مالی برخوردار هستند که نیاز به حمایت‌های مالی دولت نداشته باشند. برخی از اجزا و عناصر حقوق نخبگی به گونه‌ای هستند که تنها نخبگان جوان امکان استفاده از آن‌ها را دارند. این مهم با رویکردی کلان بررسی شده است. در عین حال نگارنده امیدوار است تا این تحقیق بتواند تصویری روشن و واضح از وضعیت حقوقی نخبگان در ایران نیز ارائه دهد و انتقادات و

مقدمه: موضوع شناسی حقوق عمومی جوانان در ایران □ ۳۱

پیشنهاداتی که در خلال مطالب این نوشتار عرضه می‌گردد در راستای اصلاح قوانین و مقررات یاد شده مفید واقع گردد.

در پایان لازم است مجدداً از حمایت و همکاری همه اشخاص حقیقی و حقوقی که مشتاقانه در فراهم آمدن این مجموعه مشارکت داشته‌اند سپاس‌گذاری گردد. سازمان‌ها و نهادهای مختلف کشوری از جمله سازمان ملی جوانان، شهرداری تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام و مؤسسه حقوق عمومی دانشگاه تهران وابسته به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، جهت ارائه این اثر صمیمانه فعالیت داشته‌اند. از همه این مراکز، نویسندگان مقالات و سایر شخصیت‌های دولتی و دانشگاهی که به هر نحوی با حمایت‌های خویش دغدغه این مهم را داشته و دارند نیز تشکر کرده، امید است تا در آینده نیز با گسترش مطالعات تخصصی‌تر و کاربردی‌تر در حوزه حقوق عمومی و دولت در ایران، زمینه‌های لازم برای پاسخ‌گویی به نیازهای عینی بیشتر از پیش فراهم گردد.

دبیرخانه همایش

گروه مطالعات حقوقی - سیاسی جوانان

مرکز تحقیقات میان‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

بهار ۱۳۸۷





بخش اول

حقوق سیاسی، دولت و جوامع جوانان





## جوانان و شرایط بهره‌گیری از حق رأی

دکتر بیژن عباسی<sup>۱</sup>

### مقدمه

پس از انقلاب فرانسه اعلامیه حقوق بشر و شهروند در سال ۱۷۸۹ تصویب شد که عمدتاً شامل حقوق مدنی و سیاسی از جمله حق مشارکت مردم در زندگی سیاسی بود. حق مشارکت سیاسی عبارت است از حق انتخاب کردن، حق انتخاب شدن و همچنین حق پیوستن به یک حزب سیاسی. حق رأی و برخورداری از انتخابات آزاد افزون بر داخل کشورها در قانون اساسی و مقررات انتخاباتی، مورد شناسایی و پشتیبانی بین‌المللی قرار گرفته اند مانند ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸، ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶، پروتکل شماره ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ (ماده ۳۱)، منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا مصوب سال ۲۰۰۰ (فصل ۵: حق رأی و حق انتخاب شدن در پارلمان اروپا) (ماده ۳۹) حق رأی و حق انتخاب شدن در انتخابات محلی (ماده ۴۰).

حق رأی به عنوان مهم‌ترین حق مشارکت سیاسی عبارت است از حق به رسمیت شناخته شده برای شهروندان که با رأی یعنی بیان دیدگاه خود در شکل‌گیری یک تصمیم سیاسی، درباره انتخاب یا برکناری یک نماینده، پذیرش یا رد یک متن مشارکت نمایند. حق رأی در حوزه‌های حقوقی متعددی همانند انتخابات‌سنديکایی، دادگاه‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما و... پیش‌بینی شده است. رأی‌گیری فقط در امور سیاسی